

مشاوره

معصوم چگونه می داند؟

فولادی

۲۷

ندارد؟ لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ: همان گونه که خواننده‌ی عزیز و گرامی نیز اذعان کرده‌اند، بیش از هر چیز توجه به نکاتی چند ضروری است:

۱. پیامبران و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) مؤید به علم الهی هستند. به عبارت دیگر، لازمه‌ی عصمت ائمه این است که از علم الهی و غیبی بهره‌مند باشند.
۲. به دلیل بهره‌مندی امام و یا پیامبر الهی از علم الهی، آنان مصون از خطا و اشتباه و معصیت هستند. از این رو، معصیت و خطا با علم ائمه (علیهم‌السلام) و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تنافی دارد و ناسازگار است.
۳. بنابراین، اگر امام (علیهم‌السلام) یا پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌داند - که حتماً می‌داند - و اگر خطا و اشتباه و معصیت نمی‌کند، - که حتماً نمی‌کند - پس چگونه می‌توان این تضاد را حل کرد؟

اما در پاسخ این که معصوم و امام (علیهم‌السلام) با این که می‌داند کشته می‌شود، چرا پا به چنین صحنه‌ای می‌گذارد، باید گفت: از آن جایی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امام (علیهم‌السلام) در جامعه‌ی انسانی الگو و سرمشق بشر می‌باشند و مردم از آنان به عنوان اسوه پیروی می‌کنند، در مسائل عادی و امور فردی و اجتماعی موظف به استفاده از علم عادی بشر هستند؛ چرا که اگر ایشان، که الگو و سرمشق هستند، از علم لدنی پیروی کنند، انسان‌ها به این بهانه که آنان بهره‌مند از علم لدنی هستند، از ایشان پیروی نخواهند کرد. همان گونه که قرآن کریم پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در عین این که اسوه‌ی بشری معرفی کرده است، مهم‌ترین ویژگی ایشان را اُمّی و درس‌نخوانده بودن او بیان می‌کند و همین یکی از رموز پیروی انسان‌ها از او و جهانی شدن تعالیم دین اسلام در کم‌ترین زمان ممکن می‌باشد. لذا این گونه نیست که معصوم (علیهم‌السلام) در هر مسأله‌ی جزئی از علم لدنی و وحیانی کمک بگیرد. علاوه بر این، علم غیب به امر حتمی و تغییرناپذیر تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر، معصومان (علیهم‌السلام) از طریق علم غیبی همان چیزی را می‌دانند که حتماً واقع خواهد شد. هم‌چون کسی که هیچ آگاهی از فن شنا ندارد و در وسط اقیانوس گرفتار شده است. علم به غرق شدن چنین فردی چیزی نیست که بتوان با آن چیزی را تغییر داد. به عبارت ساده‌تر، گاهی علم انسان به صورت قضیه‌ی شرطیه است؛ مثل این که انسان بداند اگر در اتوبان بزرگ و شلوغ قدم زند، حتماً تصادف خواهد کرد. این قضیه شرطیه است و ممکن است فرد با قدم نزدن در چنین اتوبانی جان خود را حفظ کند. اما اگر در چنین اتوبانی حرکت کند، تصادف او حتمی است. اما اگر بداند - بدون هیچ پیش‌شرطی - که فلان حادثه در فلان ساعت رخ می‌دهد، آیا با علم خویش باز هم خواهد توانست از وقوع آن جلوگیری نماید؟ فرض کنید در یک راه‌سازی، دینامیتی در زمین کار گذاشته شده و قتیله‌ی آن نیز روشن شده است، آیا در شرایط عادی می‌توان از وقوع این انفجار جلوگیری کرد؟ علم ائمه (علیهم‌السلام) نیز از این سنخ می‌باشد.

بنابراین، این گونه نیست که ائمه (علیهم‌السلام) در کوچک‌ترین مسائل فردی و اجتماعی از علم غیبی استفاده کنند. البته، برخی نیز معتقدند که علم غیبیت معصوم (علیهم‌السلام) شأنی است، یعنی چنان نیست که همواره آنان هر چیزی را بالفعل از طریق غیب بدانند، بلکه اگر بخواهند از طریق غیب به چیزی آگاهی و علم پیدا کنند و یا اگر خدا بخواهد، چیزی را در اختیار آنان قرار خواهد داد.

از سوی دیگر، توجه به این نکته نیز ضروری است که علی‌رغم بهره‌مندی حضرات معصومین (علیهم‌السلام) از علم غیب، هر چند می‌پذیریم که معصوم (علیهم‌السلام) در حادثه‌ای خاص می‌داند که اگر فلان کار را انجام دهد حادثه‌ای برای او رخ خواهد داد، اما ممکن است در حادثه‌ای خاص، مصالحی بزرگ برای دین و جامعه اسلامی وجود داشته باشد که به دلیل مصلحت مهم‌تر، حضرت معصوم (علیهم‌السلام) حاضر شده است جان خویش را نثار احیا و بقای دین کند، تا پرچم سرافراز اسلام همواره پاینده باشد. به عبارت دیگر، گاهی ممکن است تداوم و استمرار دین و حیات آن، نیازمند جان‌فشانی معصوم (علیهم‌السلام) باشد.

بنابراین، اولاً این گونه نیست که امام معصوم (علیهم‌السلام) در هر مسأله‌ی فردی و اجتماعی است به دامان علم غیب شود. ثانیاً، علم امام (علیهم‌السلام) علم به چیزهایی است که تغییر و تبدیل‌ناپذیر است. یعنی حتمی الوقوع است. ثالثاً به فرض که امام می‌داند که اگر فلان کار را انجام دهد، شهید می‌شد. به دلیل مصلحت اقوی و مهم‌تر، که حفظ دین است، جان خود را برای حفظ دین خدا، فدا می‌کند.



سؤال: اگر امام حسین (علیهم‌السلام) می‌دانست حرکت و مسیری که انتخاب کرده است سرانجامی جز مرگ ندارد و یا اگر علی (علیهم‌السلام) در شب نوزدهم می‌دانست که اگر به مسجد برود، ضربت خواهد خورد و شهید می‌شود و اگر امام رضا (علیهم‌السلام) ... می‌دانستند، پس چرا برخلاف علم خویش عمل کردند و اگر هم با علم به مرگ پیش رفتند، آیا این نوعی - نعوذ بالله - انتخاب مرگ به دست خویش نیست و اگر هم نمی‌دانستند، آیا عدم علم ایشان با علم امامت تنافی